



## بررسی خلاء قانونی روسپیگری (خود فروشی)

۱- محمد انصاری اصل

۲- بهنام آرزومند

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و وکیل پایه یک دادگستری

۲- کارشناس ارشد حقوق جزاء و جرم‌شناسی

### چکیده

خود فروشی یا همان روسپیگری بعنوان یکی از پرچالش‌ترین بحرانها و آسیبهای اجتماعی در سالهای اخیر در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر جهان در حال افزایش است. علی‌رغم تلاشهای بسیار دولتها در جهت کاهش آن روزه روز با افزایش و رشد این پدیده در جهان مواجه هستیم. کشور ایران هم از آفات و آسیب‌های این جرم در امان نیست، لذا اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه به منظور جلوگیری از اشاعه فساد و فحشا در جامعه و ممانعت از متلاشی شدن خانواده‌ها ضروری است. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده سیاست جنایی است. نظام‌های مختلف حقوقی در باب قانونگذاری درباره روسپیگری رویکردهای متفاوتی پیش‌بینی کرده‌اند برخی ممنوعیت کامل و برخی آزادی کامل و برخی دیگر رویکرد نظام بینابینی را برگزیده‌اند. در خصوص مبنای جرم‌انگاری روسپیگری می‌توان به به مواردی چون اصل ضرر، حمایت قانونی و اخلاق قانونی اشاره کرد.

روسپیگری جرمی است که تمامی حالاتی که برای رفتار مجرمانه متصور است در قالب فعل مادی تجلی می‌یابد. خودفروشی در قانون مجازات ایران جرم دانسته نشده است. لذا قضاوت در این گونه موارد احکام مربوط به "زنا" و "جرائم برضد عفت و اخلاق عمومی" را اجرامی نمایند روسپیگری به صراحت به عنوان یکی از جرائم مستوجب حد شناخته نشده، بنابراین منحصراً مجازات‌های تعزیری تنها ابزاری هستند که با تمسک به آنها می‌توان به مقابله کیفری با پدیده روسپیگری پرداخت. این مقاله در صدد است از منظر جرم‌شناسی، حقوق جزا و فقه امامیه به بررسی ابعاد مختلف روسپیگری و خلاء قانونی آن بپردازد.

**واژگان کلیدی:** جرم به عادت، جرم انگاری، خلأ قانونی، روسپیگری، خودفروشی



### مقدمه

یکی از پدیده‌های اجتماعی که سلامت هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند، پدیده روسپیگری است که متأسفانه در تمام جوامع با شدت و ضعف وجود دارد و چنان خوره‌ای به جان جوامع بشری و مدنی افتاده است. این پاره فرهنگ که در دل اصیل‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بسان بیماری حامل ویروس عمل می‌نماید، کمر همت بر استحاله فرهنگ انسانی حاکم بر جوامع بسته است. انسان‌های آزاده همواره به مبارزه با آن پرداخته و به دنبال راه صوابی برای حل این معضل می‌گردند. جامعه ایران نیز مانند سایر جوامع بشری در طول تاریخ از این قاعده مستثنا نبوده است. بنابراین در همه جوامع با شدت و ضعف وجود دارد. پدیده روسپیگری مسئله‌ای نیست که به سادگی، ریشه کن شود. متفکرین و متخصصین علوم مربوط به پدیده‌های اجتماعی از قبیل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، فقه، حقوق و ... متصدیان اصلی شناسایی و درمان این آسیب و انحراف می‌باشند. روسپیان غالباً دختران و زنان معصومی هستند که در گذرگاه زمان به علل مختلفی مسیرشان به محله‌های بدنام و فاحشه‌خانه‌هایی که معمولاً توسط مردان هوس باز یا زنان سودجو، افتتاح و اداره می‌شود، منتهی می‌گردد که اگر اقبال با آنان یار باشد در بهترین وضعیت، سوداگرانی حرفه‌ای می‌شوند که در اغفال دختران و زنان از همه جا بی‌خبر، گوی سبقت را از رقیبان می‌ربایند.

در کتاب‌های حقوق کیفری به سه دسته از انواع جرایم اشاره شده، جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی افراد؛ جرایم علیه مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. این طبقه‌بندی براساس موضوع جرم می‌باشد، نوع نگاه به جرایم و چرایی مجازات رفتارهای مختلف، در تقسیم‌بندی فوق یا طبقه‌بندی‌های مشابه، تأثیر به‌سزایی دارد. هرچند قضاوت در خصوص موضوع جرم در جرائمی مانند قتل، سرقت، جعل و ... چندان مشکل نیست؛ اما قضاوت در مورد برخی از جرایم با مشکلات فراوانی مواجه است؛ زیرا پاسخ به چرایی جرم‌انگاری رفتار و تعیین ارزشی که قانونگذار با جرم‌انگاری در پی حراست از آن است، منوط به برخی مبانی فکری بوده که خود به مباحثی پیچیده منجر می‌شود. یکی از این جرایم بحث‌انگیز، جرم روسپیگری است. چرایی جرم‌انگاری این پدیده، منوط به پاسخ چند سؤال است، موضوع این جرم چیست؟ آیا انسان بر جسم خود مالکیت مطلق دارد؟ معیارهای اخلاقی یا دینی موجود در جامعه تا چه میزانی می‌توانند به تحدید دایره آزادی‌های انسان در این حوزه بپردازد؟ جرم‌انگاری روسپیگری موضوعیت یا طریقیّت دارد؟ بزه‌دیده جرم آیا فرد روسپی، افراد جامعه یا افراد مرتبط با شخص روسپی هستند؟ همچنین پرسش‌های بسیار دیگری که ذهن اندیشمندان را به خود متوجه ساخته است. در این نوشتار با فرض ضرورت ممنوع دانستن روسپیگری، به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی و خلاء قانونی آن آن پرداخته خواهد شد.

### ۱- عناصر تشکیل‌دهنده روسپیگری

#### ۱-۱- عنصر مادی

روسپیگری جرمی است که تنها با فعل مادی تحقق پیدا می‌کند و امکان ارتکاب آن با ترک فعل وجود ندارد؛ بدین معنا که تمامی حالاتی که برای رفتار مجرمانه متصور است در قالب فعل مادی تجلی می‌یابد (فلاحی، ۱۳۸۲، ص ۱۴). اعم از اینکه رفتار مجرمانه ایجاب، توافق یا نزدیکی جنسی دانسته شود. اما مسأله‌ای که باعث اختلاف در تعاریف فوق شده، نوع رفتار مادی است؛ آیا به صرف ایجاب و پیشنهاد رفتار جنسی از سوی روسپی، جرم تحقق می‌یابد؟ آیا علاوه بر ایجاب، توافق طرفین نیز باید حاصل شود تا جرم ارتکاب یابد؟ آیا در مرحله‌ای فراتر، تحقق رفتار جنسی برای ارتکاب جرم ضروری است؟ یافتن پاسخ به این پرسش، با موضوع مطلق یا مقید بودن روسپیگری نیز ارتباط پیدا می‌کند؛ زیرا اگر صرف ایجاب یا توافق برای تحقق جرم کافی باشد، روسپیگری به‌عنوان جرمی مطلق شناخته می‌شود؛ اما اگر تحقق نزدیکی جنسی نیز برای تکمیل عنصر مادی جرم، ضروری باشد، دیگر نمی‌توان مطلق بودن روسپیگری را مورد تأکید قرار داد، بلکه باید به مقید بودن این جرم حکم نمود (فلاحی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹).

یافتن پاسخ به این پرسش در حقوق داخلی مشکل می‌نماید؛ زیرا متن قانونی مشخصی در این خصوص وجود ندارد تا بتوان با دقت در الفاظ ماده قانونی به چگونگی امکان تحقق جرم یا مطلق و مقید بودن آن پی برد. به همین دلیل و برای رفع ابهام باید به ابزار مختلف از قبیل قضاوت عرف و اصول تفسیری قواعد کیفری رجوع شود. زیرا این اشکال ناشی از خلط دو موقعیت مختلف است. توضیح این‌که گاه در مقام دادرسی، در پی یافتن عنوان مجرمانه برای رفتاری خاص بوده که در این صورت با وجود اصل قانونی بودن جرم و مجازات از عرف برای ایجاد عنوان مجرمانه بی‌نیاز می‌باشیم اما در مقاله موجود چنین نگاهی مطرح نیست، بلکه این نوشتار در مقام قانونگذاری قرار دارد و می‌خواهد برای مفهومی عرفی که افراد جامعه تلقی خاصی از آن دارند، اقدام به تصویب قانون و تعیین مجازات نماید. در این صورت بهترین ابزار برای تعریف جرم، دست یافتن به مفهوم عرفی رفتار مورد بحث است و اساساً تقابل تعریف ارائه شده توسط قانونگذار با تعریف



مورد پذیرش عرف، مشکلات عدیده‌ای را برای اجرای قانون ایجاد خواهد کرد. بنابراین بهترین راهکار برای یافتن تعریفی از روسپیگری تلقی عرفی از این رفتار می‌باشد.

## ۱-۱-۱- جرم به عادت

به نظر می‌رسد با توجه به معنای لغوی و برداشت عرفی این پدیده در جامعه، این جرم از انواع جرایم «مقید و به‌عادت» می‌باشد. به عبارت روشن‌تر این جرم با یک یا چند بار ایجاب و توافق یا چند بار زنا تحقق نمی‌یابد؛ بلکه باید عرفاً درگیری در این رفتار جنسی به حدی باشد که از آن عادت را استنباط نمود، زیرا عنوان روسپی در عرف جامعه ایرانی به افرادی اطلاق می‌شود که رفتار جنسی را مکرراً انجام می‌دهند و به نوعی حرفه‌ای بودن و بزه‌پیشگی از آن برداشت گردد. بنابراین صرف ایجاب و قبول یا حتی برقراری رابطه جنسی و تحقق زنا، برای اطلاق عنوان روسپی کافی نمی‌باشد. هرچند برخی معتقدند برای تحقق جرم به عادت، حداقل دو بار، ارتکاب جرم ضروری دانسته شده و گاه تنها دو بار ارتکاب، کافی می‌باشد (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۹)، اما مقتضای تحقق جرم به‌عادت ارتکاب فعل معین در دفعات مکرر و به‌گونه‌ای است که عادت مرتکب یا به عبارت دیگر بزه‌پیشگی وی از ارتکاب این افعال احراز گردد (اردبیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷). به نظر می‌رسد که داور عرف در استنباط تحقق یا عدم تحقق عنوان عادت، باید ملاک رفتار باشد به این دلیل که عرف جامعه در مورد این دسته جرایم بایستی عادت را احراز نموده و شخص را دارای عادت محسوب نماید

## ۱-۲- عنصر معنوی

برای تحلیل عنصر روانی و فعل و انفعال ذهنی شخص روسپی، شناخت عنصر روانی در جرایم به‌عادت ضروری است. آیا باید بزه‌پیشگی و عادت به ارتکاب جرم مورد قصد مرتکب نیز باشد؟ به عبارت دیگر برای آن که شخص به جرم به‌عادت مانند اشتغال به حرفه فروش اموال مسروقه موضوع ماده ۶۶۲ ق.م.ا. محکوم شود، باید علاوه بر علم به اینکه این مال در نتیجه ارتکاب سرقت به‌دست آمده، حرفه شدن رفتار خود را نیز قصد نماید؟ به نظر می‌رسد هیچ دلیل قانونی و حقوقی برای الزامی کردن وجود چنین قصد مضاعفی وجود ندارد. به عبارت دیگر آن چه در رکن روانی جرم به‌عادت ضروری است، تنها سوءنیت عام نقض مکرر دستور قانونگذار است (نوربها، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶). با توجه به این مقدمه، سوءنیت عام برای تحقق رکن روانی جرم روسپیگری کافی است و نیاز به اثبات هیچ امر دیگری نیست. به عبارت دیگر، آن چه در رکن روانی روسپیگری ضروری است اثبات این نکته است که روسپی با علم به ممنوعیت برخی رفتارهای جنسی، به‌صورت مکرر به ارتکاب این دسته از فعالیت‌ها پرداخته است. انگیزه نیز در رکن روانی این جرم بی‌تأثیر است و داشتن یا نداشتن انگیزه‌ای خاص در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم تأثیری ندارد. به نظر می‌رسد اگر فرد روسپی به خاطر وضعیت بد مالی اقدام به این رفتار نموده باشد، می‌تواند از کیفیات مخففه موضوع ماده ۲۲ ق.م.ا. برخوردار شود.

## ۱-۲-۱- نظام‌های مختلف قانونگذاری درباره روسپیگری

### الف- ممنوعیت کامل

در این نظام قانونی، تمامی مرتبطين با پدیده روسپیگری مجازات می‌شوند، با کمی اغماض نظام حقوقی ایران را بعد از انقلاب اسلامی می‌توان در این نظام حقوقی جای داد. این نظام توانایی از بین بردن و کاهش روسپیگری را ندارد و بیشتر مجازات‌های آن شامل ضعیف‌ترها می‌گردد (برهانی، ۱۳۸۸، ص ۴۶)

### ب- آزادی کامل

در این نظام روسپیگری مانند سایر مشاغل به رسمیت شناخته می‌شود و می‌تواند تحت قوانین و آیین‌نامه‌های خاصی درآمد، آلمان از معروف‌ترین کشورهای پیرو این نظام حقوقی است، طرفداران آزادی کامل روسپیگری ضمن ابراز خشنودی از تحقق این نظام، معتقدند این قانون موجب می‌شود فواحش تحت نظام تأمین اجتماعی باشند.

### ج- نظام بینابینی

نظام بینابینی عمده‌تاً از کنوانسیون ۱۹۴۹ سازمان ملل متحد راجع به مبارزه با قاچاق انسان و بهره‌کشی از روسپیگری الهام گرفته است. در این نظام، روسپیگری جرم نیست؛ اما تبلیغ و عرضه کردن خود و قوادی جرم محسوب می‌شود؟! فرانسه از کشورهای است که از این نظام پیروی می‌کند و سیاست خود را بر اقدامات پیشگیرانه در مقابل قوادی و عرضه کردن خود به منظور توقف روسپیگری استوار کرده است (میل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱)

## ۲- مبنای جرم‌انگاری



به‌طور کلی سه اصل مختلف در مورد جرم‌انگاری وجود دارد که تمامی ممنوعیت‌های قانونی به یکی از آنها بازگشت می‌نماید. در ادامه شمول هریک از این اصول نسبت به پدیده روسپیگری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

### ۲-۱- اصل ضرر

به عبارت بهتر اصل عدم ضرر است. بر این اساس تنها رفتارهایی باید از طرف جامعه ممنوع و با مجازات مواجه شود که ضرر مادی و خارجی به افراد دیگر می‌رساند. این مبنای جرم‌انگاری، ریشه در اندیشه‌های فیلسوف مشهور قرن هجدهم «جان استوارت میل» دارد، وی برای اولین بار به تنقیح مبانی این رویکرد همت نهاد و با این مبنا به نقادی ساختار حقوقی و دایره امور ممنوع پرداخت (میل، ۱۳۸۵: صص ۲۹۰-۲۸۸)

به نظر می‌رسد نمی‌توان روسپیگری را با این مبنا مورد جرم‌انگاری قرارداد؛ زیرا در این رفتار هیچ‌گونه ضرر ملموس مادی به افراد وارد نمی‌شود. بدین معنا که اگر رفتار فرد برای دیگران ناخوشایندی شدید و ناراحتی غیرقابل تحملی ایجاد نمود، این واکنش می‌تواند مجوزی برای جرم‌انگاری تلقی شود و به این علت، می‌توان اقدام به ممنوعیت رفتار نمود. درحقیقت این افراد با توسعه معنای ضرر، تلاش نموده‌اند، خلأهای ناشی از اصل ضرر و عدم امکان دفاع از حقوق مردم را برطرف نمایند. اما با این معیار نیز نمی‌توان به جرم دانستن روسپیگری معتقد شد. براساس اصل ضرر، باید تنها زمانی روسپیگری جرم دانسته شود که عنف و سوءاستفاده از روسپی تحقق یابد. مانند: زمانی که فرد روسپی صغر سن داشته یا برخلاف میل و رضا به این کار وادار شده باشد.

### ۲-۲- حمایت قانونی

با پیشرفت‌های پزشکی و حمایت‌های قانونی از افراد روسپی، دیگر نمی‌توان ضرر جسمی یا ابتلاء به بیماری خاصی را برای این افراد تصویر نمود چرا که مراقبت‌های پزشکی و صدور گواهی سلامت و مجوز عدم ممنوعیت برقراری رابطه جنسی، امکان ایجاد ضرر جسمی را در بسیاری از مناطق از بین برده است، اما به نظر می‌رسد برخی آسیب‌های روانی که افراد روسپی در معرض آن هستند، مانند: انواع افسردگی‌ها، می‌تواند دلیل مناسبی برای جرم‌انگاری این رفتار باشد؛ آسیب‌هایی که بی‌شک زندگی زناشویی فرد و نوع تعامل با فرزندان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. چنین توجیهی، دلیل کافی برای قانونگذار جهت ممنوعیت عمل قرار می‌دهد. اما این دلیل مورد قبول قریب به اتفاق کشورهای اروپایی قرار نگرفته (برهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳) لذا با تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف به سالم‌سازی فعالیت‌های جنسی افراد روسپی می‌پردازند؛ زیرا اساساً آسیب‌های روانی موضوع و مسأله آنان نمی‌باشد.

### ۲-۳- اخلاق قانونی

اخلاق‌گرایی قانونی رویکردی است که زبان رساندن شخص به دیگران یا ضرر زدن فرد به خود را تنها ملاک انحصاری جرم‌انگاری نمی‌داند (میل، ۱۳۸۵، ۲۴۶) در این دیدگاه علاوه بر دو صورت قبلی، رفتار افراد را جرم می‌داند، چرا که اصل عمل، مذموم و مغایر با معیارهای برتر افراد جامعه و منافع ایشان می‌باشد. در تبیین این معیارهای برتر، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد مثلاً گزاره‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی از مهم‌ترین این ارزش‌ها می‌باشد. دین و اخلاق، انسان را ملزم به مقابله با بی‌بندوباری در حد امکان می‌نماید. انگیزه‌ها و اهداف متفاوت دینی و اخلاقی برای منع برخی از رفتارهای جنسی - که موضوع بحث ماست - مطرح می‌شود؛ چنین منعی پیش‌شرط تحقق فضایی چون عفاف در جامعه تلقی می‌شود برای دفاع از نهادهایی چون خانواده ضروری است یا آزادی جنسی و افراط در آن در تقابل با کمال انسانی دانسته می‌شود. به‌طور کلی بر اساس دیدگاه اخلاق‌گرایی قانونی، عمل ضداخلاقی، رفتاری مستوجب مجازات است (میل، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱)

### ۲-۴- بررسی فقهی روسپیگری

شارع با جرم‌انگاری واسطه‌گری در عمل جنسی و نیز ممنوعیت خود رفتار جنسی، از ابتدا با گسترش پدیده روسپیگری به مقابله برخاسته و در گام اول با رویکرد مکافات‌گرایانه اجازه پیشرفت عمل زنا و حرفه‌ای شدن این بزه را در قالب روسپیگری نداده است. هرچند با این رویکرد شارع، میزان روسپیگری به شدت تحت تأثیر قرار گرفته، اما نمی‌توان ادعا کرد؛ این راهکار منجر به ریشه‌کن شدن این پدیده می‌گردد. لذا ضروری است نظام اسلامی برای این پدیده پیش‌بینی‌های لازم را مدنظر قرار دهد.

هرچند امروزه در زبان عربی واژه‌هایی چون «داعره» (میرزایی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸) و «عاهره» (مألف، ۱۹۸۶، ص ۵۳۵). معادل روسپی در زبان فارسی هستند، اما چنین تعبیری در متون فقهی وجود ندارد. در روایت مرسلی از امام صادق (ع) از «اصطلاح «دواعی» برای زنانی که





مردان را به سمت خود دعوت می‌کنند و از اصطلاح «بغایا» برای افراد معروف به زنا استفاده شده است» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸) تنها اصطلاحی که در عبارات فقها مورد اشاره قرار گرفته و شباهت زیادی با روسپی دارد اصطلاح «المشهوره بالزنا» و «المشهوره بالزنا» است (میرزایی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۰). همان‌گونه که از معنای ظاهری برمی‌آید، منظور فردی است که به واسطه ارتکاب مکرر عمل زنا، به این گناه اشتها دارد. در فقه اَْتَصاف به این صفت و اشتها به این بزه، منجر به فعلیت یافتن برخی احکام شرعی بر زن می‌شود. فقها غالباً اصطلاح المشهوره بالزنا را در ابواب فقهی نکاح، لعان و حدود (حد قذف) مورد اشاره قرار داده‌اند. در کتاب النکاح ذیل این نکته که «آیا ازدواج با زنی که اشتها به زنا دارد جایز است یا ازدواج با وی منوط به احراز توبه است، متعرض موضوع زنی که مشهور به زنا است، شده- اند» (نجفی، بی‌تا، صص ۴۴۱-۴۴۰). منشأ این حکم روایاتی است که در کتاب وسائل الشیعه وجود دارد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، صص ۲۸-۲۷). از این دسته روایات، برخی از فقها حرمت ازدواج با زنان مشهور به زنا و برخی کراهت آن را استنباط کرده‌اند. در کتاب لعان یکی از شرایط لعان، عقیفه بودن همسر است، لذا اگر همسر مقذوف، عقیفه نباشد، یعنی اشتها به زنا داشته باشد، یکی از پیش‌شرط‌های تحقق لعان وجود نداشته؛ بنابراین «قذف شوهر به لعان منجر نمی‌شود» (حلی، ۱۴۱۰، ص ۶۰). در کتاب حدود نیز فقها در بحث حد قذف به اصطلاح المشهوره بالزنا پرداخته‌اند؛ زیرا یکی از پیش‌شرط‌های تحمیل حد قذف به شخص قاذف این است که مقذوف، محصنه باشد؛ یعنی اشتها به زنا نداشته باشد که اگر چنین اشتهاوی وجود داشته باشد، حد قذف اجرا نخواهد شد (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، صص ۳۶۷-۳۵۰).

اجتماع در داوری‌های خود، معیارهایی دارد که بعضی اوقات به‌نحوی ظالمانه به قضاوت می‌نشیند. می‌توان ادعا کرد که این نوع قضاوت با تغییر فرهنگ‌ها متغیر می‌شود. برای گریز از افراط این داوری عرفی، می‌توان با جاری کردن «اصل عدم» به قضاوت در مورد تحقق یا عدم تحقق آن پرداخت و در هر موردی که شک حاصل شود آیا فرد خاصی به این عنوان اِْتَصاف پیدا کرده؟ اصل عدم تحقق این صفت را جاری نمود؛ مگر آن که شیاع به اثبات برسد. به عبارت دیگر نسبت دو مفهوم روسپیگری و اشتها به زنا از میان نسبت‌های منطقی، نسبت عموم و خصوص من‌وجه است، یعنی در برخی از موارد اشتها به زنا به واسطه روسپیگری است که در این حالت هر دو تعریف در خصوص فرد انطباق پیدا می‌کند. اما چه بسا فرد اشتها به زنا داشته باشد و روسپی نباشد «مانند: برخی موارد که فرهنگ اجتماعی، برخی افراد را به خاطر عدم رعایت بعضی از هنجارها و قواعد رفتاری و حتی با افراط غیرقابل قبول با برچسب روسپیگری مواجه نموده است؛ هرچند درواقع چنین انتسابی به وی حقیقی نیست یا برعکس ممکن است فردی واقعاً روسپی باشد و به جمعی از افراد، سرویس جنسی ارائه دهد اما به علت پنهان‌کاری یا به هر علت دیگری اشتها به زنا پیدا نکرده باشد. لذا به علت وجود تفاوت‌های ذکر شده نمی‌توان دو عنوان روسپیگری و اشتها به زنا را بر یکدیگر منطبق دانست.

## ۲-۴-۱- مجازات روسپی در فقه

مجازات روسپیگری از نوع مجازات‌های مستوجب قصاص و دیات نمی‌باشد. سؤال مهم این است که در نظام کیفری اسلام، از میان دو نوع مجازات مستوجب حد و تعزیر، با کدامین ابزار می‌توان با پدیده روسپیگری به مقابله پرداخت؟ آیا روسپیگری بزه‌ای است که مستوجب مجازات حدی می‌باشد یا رفتاری است که استحقاق مجازات تعزیری را دارد؟ مشهور فقها تعداد جرایم مستوجب حد را هشت جرم زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف، سرقت، شرب خمر و محاربه (امام خمینی، ۱۳۸۴، صص ۸۶۲-۸۹۱). برخی دیگر تعداد این جرایم را تا شانزده جرم احصا نموده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ق، صص ۴۰۷-۲۰۴). روسپیگری به‌صراحت به عنوان یکی از جرایم مستوجب حد شناخته نشده، بنابراین منحصراً مجازات‌های تعزیری تنها ابزاری هستند که با تمسک به آنها می‌توان به مقابله کیفری با پدیده روسپیگری پرداخت. منظور از تعزیر فرد روسپی این است که فرد درگیر فعالیت‌های جنسی، باید مجازات شود و این مجازات امری مستقل از مجازات حدی زنا است که در صورت اثبات بر فرد تحمیل می‌شود. حال اگر فردی چندبار مرتکب رفتارهای جنسی ممنوع شد چه زنا به اثبات برسد و چه به اثبات نرسد محکوم به تحمل مجازات تعزیری روسپیگری می‌شود. در صورت اثبات زنا، عمل وی مصداق تعدد معنوی خواهد بود؛ ولی چون بحث تعدد معنوی محدود به جرایم قابل تعزیر است و در این فرض «زنا» از جرایم مستوجب حد است، نمی‌توان گفت تعدد معنوی تحقق یافته و مجازات اشد را اعمال نمود. بلکه باید قائل به تعدد مادی شد و مرتکب را به دو مجازات محکوم نمود.

انحصار مقابله کیفری در مجازات‌های مستوجب تعزیر، نباید این نگرانی را ایجاد نماید که جامعه از ابزارهای مناسب، جهت ارائه پاسخ کیفری قاطع به این جرم محروم می‌گردد؛ زیرا مجازات‌های مستوجب حد محذوره‌های مختلفی چون سختی اثبات را دارا هستند به‌گونه‌ای که انسان علم پیدا می‌کند که شارع در پی ایجاد مانع جهت اثبات جرایم جنسی بوده است؛ همچنین عوامل سقوط مجازات مانند توبه، راه اجرای آنها را بسیار مشکل می‌نماید. اما در مجازات‌های تعزیری چنین پیچیدگی‌ها و مشکلاتی وجود ندارد و امکان تحمیل مجازات به



مراتب بیشتر از مجازات‌های حدی است. در قانون مجازات اسلامی در فصل هجدهم از کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) که عنوان جرایم ضد عفت و اخلاقی عمومی را داراست، با مجازات تعزیری شدیدی چون حبس از یک تا ده سال مواجه هستیم که وجود این نوع از مجازات‌های شدید مستوجب تعزیر گویای این واقعیت است که امکان مقابله‌ی مؤثر با جرایم مشابهی چون روسپیگری وجود خواهد داشت.

### ۳- نظام حقوقی روسپیگری

#### ۳-۱- قبل از انقلاب

با نگاهی به قوانین جزائی قبل از انقلاب اسلامی معلوم می‌شود، اگرچه قانونگذار نمی‌توانسته خود را از بافت سنتی و مذهبی جامعه مسلمان جدا کند و بدان نیم‌نگاهی نداشته باشد؛ اما در اصول قانونگذاری و مواد مصوب خود را ملزم به مطابقت با مبانی فقه امامیه نمی‌دانست. عمده‌ترین قانونی که می‌توان از آن نام برد، قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ با اصلاحیه‌های بعدی آن می‌باشد؛ فصل پنجم از باب سوم (مصوب ۷ بهمن ۱۳۰۴) شامل سرفصل جنحه و جنایات بر ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی بود که برخی از آن مواد به شرح ذیل می‌باشد:

ماده ۲۰۷: «الف- هرکس به عفت یا تهدید، هتک ناموس زنی را بنماید به حبس جنائی درجه یک از سه تا ده سال محکوم خواهد شد». ذیل ماده علل مشدده آن را برمی‌شمارد.

ماده ۲۰۹: «الف- هر کس به عفت یا تهدید یا حیلہ کسی را برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن به عمل مزبور برباید یا مخفی کند، به حبس جنائی درجه دو از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد...».

ماده ۲۱۲: «برای رابطه نامشروع متأهلین حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

ماده ۲۱۳: «الف- اشخاص ذیل به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد:

(۱)- هر کس عایدات حاصله از فحشا زنی را وسیله تمام یا قسمتی از معیشت خود قرار دهد.

(۲)- هر کس فاحشه را در شغل فاحشگی حمایت کند».

در بند «ب» همان ماده به قاچاق زنان و دختران اشاره و مجازات این افراد را حبس جنحه ای از یک سال تا سه سال در نظر گرفته است و در ادامه بند «ب» بیان داشته که در موارد ذیل مرتکب به حداکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد:

(۱)- در صورتی که زن کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد.

(۲)- در صورتی که مرتکب برای انجام مقصود خود به عفت یا تهدید متوسل شده باشد.

همان گونه که مشاهده می‌گردد در این مواد اسمی از زنا یا توافقی برده نشده و آنچه موضوع حکم قرار گرفته، فقط تجاوز به عفت است که در کشورهای غربی نیز تحت عنوان «rape» از عناوین مجرمانه محسوب می‌گردد. اگرچه به همین مقدار هم بسیار کم عمل می‌شد و مالکین خانه‌های فساد و اجاره‌کنندگان و قوادها چه داخل شهرنو و چه خارج از آن به ندرت تحت تعقیب قرار می‌گرفتند در حالی که از لحاظ قانونی قابل تعقیب بودند. (شادی، ۱۳۸۲، ص ۱۶)

#### ۳-۲- بعد از انقلاب

از مهم‌ترین مجموعه قوانینی که با وقوع انقلاب اسلامی دستخوش تحول کلی و اساسی شد، مجموعه قوانین جزائی ایران است. چه اینکه از دیدگاه فقه امامیه حساسیت خاصی به این گونه مسائل وجود دارد و در متون اصیل اسلامی همواره احترام به آبرو، مال و جان مردم، هم‌عرض یکدیگر قلمداد گردیده و برای آن حساب ویژه ای باز شده است، لذا نیازمند تغییرات جدی و قانونگذاری جدیدی بود. بحث روسپیگری و حواشی آن نیز که در این گردونه قرار دارد، نیاز به یک بازنگری خاص داشت؛ اما با نگاهی به قوانین پس از انقلاب متأسفانه همچنان جای خالی مواد ویژه ای راجع به روسپیگری و قاچاق زنان محسوس است و مواد مربوطه تحت عناوین «زنا»، «جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی» و «قوادی» قرار گرفت و بدان به عنوان یک مسأله دست اولی وجدی نگاه نشده است و در این مورد می‌توان سکوت قانون را کاملاً لمس نمود. این ضرورت هنگامی بیشتر خودنمایی می‌کند که مسائل دیگری بر حواشی روسپیگری افزوده شده از جمله این مسائل می‌توان به «قاچاق زنان» اشاره نمود. که متأسفانه روند رشدی در پیش گرفته است و این تجارت زیرزمینی رونق خاصی به «صنعت سکس» بخشیده است (شادی، ۱۳۸۲، ص ۱۸). ولی متأسفانه تغییر محسوس در قوانین موضوعه مشاهده نمی‌گردد. عمده‌ی مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی تحت سه عنوان بیان شده است:

الف- حد زنا



باب اول از کتاب دوم حدود در قانون مجازات اسلامی مربوط به مسائل زنا می باشد که از مواد ۲۴۱-۲۲۱ به تعریف زنا، چگونگی اثبات، اقسام حد یا همان انواع مجازات (۱۰۰ ضربه شلاق در غیر محصنه، قتل و رجم در محصنه) و به کیفیت اجرای حد پرداخته است و چون رابطه زنا با روسپیگری، «عموم و خصوص من وجه» است، یعنی در برخی مواقع زنا محقق می شود، اما روسپیگری محقق نمی شود یا عکس آن یعنی روسپیگری محقق می گردد، اما زنا محقق نمی شود. لذا گنجانیدن قوانین خاص روسپیگری در قانون مجازات اسلامی ضروری می باشد.

### ب- قوادی

در باب چهارم از کتاب حدود ۳ ماده راجع به «قوادی» می باشد؛ در ماده ۲۴۲ ق.م.ا. قوادی را این گونه تعریف کرده است: «قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط» و در مواد ۲۴۳-۲۴۴ ق.م.ا. به سایر مسائل مربوطه اشاره نموده است. با توجه به تعریف قوادی معلوم می شود که محدوده آن شامل لواط (جمع بین دو مرد) می شود، اما شامل مساحقه (جمع بین دو زن) نمی شود.

### ج- جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی

در فصل هیجدهم از کتاب پنجم (تعزیرات) قانون مجازات اسلامی قانونگذار طی مواد ۶۴۱-۶۳۷ عناوینی را به عنوان جرم اعلام کرده و برای آن مجازاتی در نظر گرفته است. با ملاحظه مواد مطرح شده در این بخش، می توان ماده ۶۳۷ را در بعضی از فروع آن با تعریف روسپیگری منطبق دانست، همچنین ماده ۶۳۸ که در آن از عنوان کلی تظاهر به عمل حرام در اماکن عمومی نام برده شده است، می تواند در مواردی منطبق بر روسپیگری باشد و ماده ۶۳۹ که در رابطه با تشویق به فحشا یا تشکیل فاحشه خانه است به موضوع این نوشتار مربوط می گردد. اما مواد ۶۴۱-۶۴۰ از دایره بحث خارج است. بنابراین در رابطه با روسپیگری و مسائل جانبی آن مانند قاچاق زنان با فقر قانون مواجه می باشیم

### ۳-۳- روسپیگری و قوانین کیفری

پس از بررسی نحوه تعامل مجازات‌های اسلامی با پدیده روسپیگری و شناخت مجازات‌های مستوجب تعزیر به‌عنوان ابزاری مناسب جهت برخورد با آن، نوبت به واکاوی قوانین موضوعه در برخورد با روسپیگری می‌رسد. آیا قوانین موجود ابزارهایی برای برخورد با این پدیده تعبیه کرده‌اند؟ آیا روسپیگری جرم محسوب شده و مرتکب آن قابل مجازات است یا در این مورد با خلأ قانونی مواجه بوده؟ ابتدا قوانین پیش از انقلاب بررسی می‌شود.

در قانون مجازات عمومی با توجه به محوریت عفت، تهدید و حيله در جرم دانستن رفتارهای جنسی، به نظر می‌رسد نمی‌توان روسپیگری مبتنی بر رضایت طرفین را جرم دانست. به عبارت دیگر قانونگذار در سال ۱۳۰۴ رفتارهای جنسی مبتنی بر عفت و تهدید یا رفتارهایی که در حکم عفت و تهدید هستند را مورد مجازات قرار داد و مانند بسیاری از قوانین فعلی کشورهای اروپایی دغدغه منع روابط نامشروع را نداشت. به‌صورت استثنایی ماده ۲۱۲۲ ق.م.ع. برای روابط نامشروع افراد متأهل حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال را در نظر گرفته بود. دو ماده در قانون مجازات عمومی تا حدودی مرتبط با بحث روسپیگری بود. ماده ۲۱۱ ق.م.ع. مقرر می‌داشت: «اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و به تأدیه غرامت از دویست و پنجاه الی پنج‌هزار ریال محکوم می‌شوند: ۱- کسی که عادتاً جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و اناث به فساد اخلاق یا شهوترانی تشویق کند یا فساد اخلاق یا شهوترانی آنها را تسهیل نماید؛ ۲- کسی که عادتاً دیگری را اعم از ذکور و اناث به منافیات عفت وادارد یا وسایل ارتکاب را برای او فراهم سازد؛ ۳- قوادی یا کسی که فاحشه‌خانه دایر یا اداره کند یا زنی را برای شهوترانی غیر اجیر کند...». اگر بند سوم وجود نداشت، ممکن بود برداشت شود که این ماده در مقام جرم-انگاری قوادی است؛ اما با بند سوم و تصریح به جرم بودن قوادی، این امکان فراهم می‌شود که با تفسیری موسع، روسپیگری مشمول بند اول و دوم این ماده گردد. اما به نظر می‌رسد، بند اول و دوم نوعی از معاونت را جرم‌انگاری می‌کند (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹)

واداشتن افراد به منافیات عفت و فراهم نمودن وسایل ارتکاب آنها، عنوانی نیست که بتوان با آنها به مجازات افراد روسپی اقدام نمود. مگر آنکه از ابزاری مانند تفسیر موسع از قوانین کیفری استفاده شود که بهره از این نوع تفسیر نیز در قوانین کیفری ممنوع است. همچنین رویکرد کلی قانونگذار در خصوص جرایم جنسی و محوریت عدم رضایت در این‌گونه جرم‌انگاری‌ها در قانون مجازات عمومی، اجازه چنین تفسیری از ماده ۲۱۰ ق.م.ع. را نمی‌دهد. توجه به ماده ۲۱۳ ق.م.ع. که در سال ۱۳۱۳ اصلاح گردید، مؤید عدم شمول ماده ۲۱۰ ق.م.ع. نسبت به روسپیگری می‌باشد. ماده ۲۱۳ ق.م.ع. مقرر می‌داشت: «الف- اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد: ۱- هرکس عایدات حاصله از فحشاء زنی را وسیله تمام یا قسمتی از معیشت خود قرار دهد؛ ۲- هرکس فاحشه را در شغل فاحشگی حمایت کند؛ ب- هرکس زنی را با علم به اینکه آن زن در خارجه به شغل فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن به خارجه



تشویق کند یا مسافرت او را به خارجه تسهیل نماید یا او را با رضایت خودش به خارجه ببرد یا برای رفتن به آنجا اجیر کند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم می‌شود...» (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶).

توجه به این ماده و تأکید بر مجازات معاون در جرم روسپیگری، فحشا و عدم مجازات شخص روسپی و فاحشه، از نیت قانونگذار در عدم منع افراد به وسیله مجازات در رفتارهای جنسی مبتنی بر رضایت پرده برمی‌دارد. درحقیقت بنا بر شق اول بند الف ماده ۲۱۳ ق.م.ع. اگر شخص دیگری غیر از روسپی، عایدات حاصل از روسپیگری را وسیله تمام یا قسمتی از معیشت خود قرار می‌داد، رفتاری مجرمانه را انجام داده بود؛ اما اگر خود روسپی رفتار جنسی خویش را وسیله امرار معاش قرار دهد، مرتکب هیچ جرمی نشده بود یا مثلاً اگر خود روسپی برای فاحشگی به خارج از کشور می‌رفت جرم نبود. اما اگر دیگری وی را به این عمل تشویق می‌نمود و مسافرت او را تسهیل می‌کرد، مرتکب جرم شده بود. با توجه به توضیحات فوق، می‌توان ادعا نمود روسپیگری در قانون مجازات عمومی جرم نبوده و مرتکب آن به هیچ نوع مجازاتی محکوم نمی‌گردد.

بررسی رویکرد قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون معتبر و رایج در کشور دارای اهمیت به‌سزایی است. قانون مجازات اسلامی به جرایم ضدعفت و اخلاق عمومی اشاره می‌نماید. مواد ۶۴۱ - ۶۳۷ ق.م.ا. به جرایم ضدعفت و اخلاق عمومی اشاره می‌نماید. هرچند قانونگذار به برخی دیگر از جرایم جنسی، مانند: زنا، لواط، مساحقه، تقبیل و... در بخش حدود پرداخته است، اما در ذیل جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی به جرایم و عناوینی اشاره کرده که قابل تطبیق با بسیاری از رفتارها می‌باشند. بنابراین باید معلوم شود آیا روسپیگری شامل این مواد می‌شود؟ در این راستا بررسی سه ماده ۶۳۹ - ۶۳۷ ق.م.ا. از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ماده ۶۳۷ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود». بی‌شک با استناد به این ماده نمی‌توان به مجازات فرد روسپی پرداخت. زیرا در این ماده، روابط نامشروع یا عمل منافی عفت مورد نهی قرار گرفته است. این ماده رفتارهای جنسی پیش از زنا را جرم‌انگاری می‌نماید. ممکن است شخص روسپی مرتکب چنین اعمالی باشد و بتوان با این استدلال به مجازات وی اقدام نمود، اما باید توجه داشت در این صورت نمی‌توان ادعا کرد که این ماده جرم روسپیگری را مورد ممنوعیت و مجازات قرار داده است؛ زیرا در بسیاری از موارد، افراد روسپی با این ماده قابل مجازات نیستند و تنها مقدمات آن قابل مجازات است.

ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معاینه تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». هرچند شاید زمانی که فرد روسپی علناً اقدام به جلب مشتری می‌نماید، با این مجازات مواجه شود؛ اما در بسیاری از موارد اساساً قید «رفتار علنی در انظار و اماکن عمومی» و نیز «تظاهر به عمل حرام» تحقق پیدا نمی‌کند. چرا که با توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور، غالباً مخفی بودن جزو لاینفک روسپیگری به حساب می‌آید. بنابراین ماده ۶۳۸ ق.م.ا. به دنبال مجازات رفتارهایی است که علناً به اخلاق عمومی لطمه وارد می‌کند (نوربها، ۱۳۷۵، ۳۲۹).

ماده ۶۳۹ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به‌طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف- کسی که مرکز فساد و فحشا دایر یا اداره کند. ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید». این ماده نیز نمی‌تواند ابزاری جهت برخورد با روسپیگری باشد، زیرا بسطی که از بند «ب» استفاده می‌شود با تلقی موجود در مورد روسپیگری منطبق نیست. می‌توان پذیرفت اگر تشکیلات مجرمانه برای اشاعه این پدیده در میان جامعه ایجاد شود، بند ب می‌تواند در برخورد با این دسته از افراد موضوعیت پیدا کند. البته به نظر می‌رسد با توجه به اصل تفسیر مضیق، قوانین کیفری نمی‌توان افراد روسپی موجود در این دسته‌های مجرمانه را با این بند مجازات نمود، زیرا مدیران و گردانندگان این گروه‌های مجرمانه به تشویق مردم به فساد و فحشا پرداخته و موجبات آن را فراهم می‌نمایند. بنابراین نمی‌توان از این ماده انتظار داشت که با روسپیگری برخورد نماید.

### ۳-۴- خلاصه قانونی

با بررسی مواد قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی معلوم می‌شود، قانونگذار در قانون مجازات عمومی با عنایت به موضوع روسپیگری و با مدنظر قراردادن چرایی جرم‌انگاری این رفتار، به جرم‌زدایی از آن پرداخته است. اما قانونگذار در قانون مجازات اسلامی یا





کلاً از موضوع غفلت کرده و در هنگام تصویب قانون، این موضوع را مدنظر نداشته یا تصور نموده با وجود مجازات‌های حدی و نیز مجازات‌های مندرج در فصل هجدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، نیازی به جرم‌انگاری مستقل در مورد این رفتار وجود ندارد و تمامی مصادیق روسپیگری مشمول یکی از این دو دسته قوانین می‌شود. لذا این تلقی اشتباه، منجر به ایجاد خلأ قانونی در این موضوع شده است.

البته بعضی از قوانین جاری کشور می‌تواند برخی از مصادیق روسپیگری را دربرگیرد؛ اما به‌صورت مستقل در این حوزه جرم‌انگاری خاصی تحقق نیافته است و چنین خلأ قانونی در نظام کیفری قابل توجیه نیست؛ زیرا با توجه به مبانی جرم‌انگاری پذیرفته شده در نظام کیفری ایران قاعدتاً نباید با اباحه‌گری در این حوزه مواجه بود. هرچند برخی افساد فی الارض را قالبی مناسب برای برخورد با بعضی مصادیق روسپیگری دانسته‌اند؛ اما با توجه به شبهات موجود در خصوص اثبات تقنین مستقل شرعی در مورد چنین مجازاتی، نمی‌توان از آن به‌عنوان قالبی مناسب برای جرم‌انگاری روسپیگری استفاده نمود. بنابراین مجازات‌های تعزیری با قابلیت‌های فراوان در زمینه فردی کردن مجازات‌ها، ابزاری مناسب برای مقابله با این رفتار می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

بنابر مباحث مطرح شده، معلوم می‌گردد برای پیشگیری و مبارزه با انحرافات اجتماعی به معنای اعم و پدیده شوم روسپیگری به معنای اخص باید از یک سو به اجرای راهکارهای فرهنگی توجه و عنایت خاص شود و از سوی دیگر با توجه به پویایی و غنای فقه امامیه و انعطاف‌پذیری و فراگیری قوانین آن و قابل انطباق بودن با عنوان افساد فی الارض، با این بزه مبارزه گردد و ضروری است ضمن تدوین مواد قانونی مربوطه تحت نظارت و با تنفیذ ولی امر عادل، راهکارهای قانونی با قاطعیت و غلظت اجرا شود تا از همان ابتدا کمترین افراد به این سمت کشیده شوند و جامعه به سلامت و امنیت خود به صورت نسبی برسد و به شاخصه‌های یک جامعه پاک نزدیک گردد. بنابر مطالب بیان شده در مقاله معلوم می‌شود، مجازات‌های تعزیری با قابلیت‌های فراوان در زمینه‌ی فردی کردن مجازات‌ها، ابزاری مناسب برای مقابله با روسپیگری می‌باشد. هرچند با توجه به تفسیر منطقی از اصل ۱۶۷ قانون اساسی، معلوم می‌شود که با مراجعه به متون فقهی امکان مجازات افراد روسپی وجود دارد و چنین سکوتی قابل توجیه نمی‌باشد. و همچنین برای تکمیل امکان مقابله با این رفتار، مناسب است که مجازات خاصی برای مراحل قبل از نزدیکی جنسی مدنظر قرار گیرد.

### منابع

- ۱- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۵)، جرایم علیه اشخاص، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، حقوق جزای عمومی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۳- باهری، محمد (۱۳۸۰)، نگرشی به حقوق جزای عمومی، چ ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۴- بای، حسینعلی (۱۳۸۴)، «سیری در مستندات فقهی جرم‌انگاری افساد فی الارض»، فصلنامه فقه و حقوق، زمستان (شماره ۷).
- ۵- بای، حسینعلی (۱۳۸۵)، «افساد فی الارض چیست مفسد فی الارض کیست؟»، فصلنامه فقه و حقوق، تابستان (شماره ۹).
- ۶- برهانی، محسن (۱۳۸۸)، «تأثیر نظریه‌های اخلاقی بر حقوق کیفری»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۱۶ق)، الروضه البهیه فی شرح اللعنه الدمشقیه، چ ۹، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، الطبعة التاسعه.
- ۸- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۱۹ق)، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، چ ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- ۹- حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، چ ۲، قم: مؤسسه آل‌البتیت لإحياء التراث.
- ۱۰- حلی (علامه)، حسن بن منصور (۱۴۱۰ق)، ارشاد الأذهان الی أحكام الإیمان، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۱۱- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴)، تحریر الوسیله، چ ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۱۲- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، مبانی تکمله المنهاج، چ ۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



- ۱۴- صدر، شادی، (۱۳۸۲)، «چه کسی باید مجازات شود خریدار یا فروشنده»، ماهنامه زنان، فروردین (شماره ۹۸).
- ۱۵- فلاحتی، علی (۱۳۸۲)، «روسپیگری و سکوت سنگین قانون»، فصلنامه کتاب زنان، زمستان (شماره ۲۲).
- ۱۶- کدیور، محسن (۱۳۸۷)، حق الناس، چ ۲، تهران: انتشارات کویر.
- ۱۷- کریمی مجد، رویا (۱۳۸۰)، «زیر گام‌های حریص در خیابان‌های بی‌بازگشت»، ماهنامه زنان، اردیبهشت (شماره ۸۹).
- ۱۸- مألوف، لوییس (۱۹۸۶م)، المنجد فی اللغه، چ ۲۳، بیروت: دارالمشرق.
- ۱۹- مؤمن، محمد (۱۴۱۵ق)، کلمات سدیدة، چ ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۲۰- محسنی، مرتضی (۱۳۷۵)، دوره حقوق جزای عمومی، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۲۱- محمدی، عبدالعلی «قانون و قوادی؛ تأملی بر کاستی‌ها»، فصلنامه کتاب زنان، بهار (شماره ۲۱).
- ۲۲- میرزایی، نجفعلی (۱۳۷۶)، فرهنگ اصطلاحات معاصر، چ ۱، قم: دارالاعتصام.
- ۲۳- میل، جان استوارت (۱۳۸۵)، رساله درباره آزادی، (ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی)، چ ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۴- نجفی، محمد حسن (بی‌تا)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ ۷، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۲۵- نوربها، رضا (۱۳۷۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، چ ۲، تهران: کانون وکلای دادگستری.
- ۲۶- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۷)، «محارب کیست محاربه چیست؟»، مجله فقه اهل بیت، بهار (شماره ۱۳) یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۰ق)، العروه الوثقی، چ ۲، بیروت: مکتبه الامام الخمینی.